

حق زوجه بر استمتاع جنسی

○ سجاد شهباز قهفرخی*

چکیده

نظام حقوقی اسلام در ساختار خانواده، حقوق جنسی زن را متناسب با نیازهای فطری و فیزیولوژیکی او طراحی کرده است. نظام حقوقی اسلام علاوه بر پذیرش ساختار «تک شوهری» برای زنان و قرار دادن مجازات‌های سنگین برای زنانی که قصد ارضای جنسی خود در خارج از چارچوب خانواده را داشته باشند، نگاهی نو، به این موضوع مبتنی بر احترام و کرامت برای زن دارد. تبیین نظریه اسلام در خصوص «حق زوجه بر استمتاع جنسی» نیازمند بحث از ادله فقهی است. کندو کاو در ادله فقهی و بررسی برخی فروع فقهی به این نتیجه رهنمون می‌کند که شوهر موظف است نیازهای جنسی زوجه را برآورده سازد و در صورت تخطی زوج از این وظیفه و تحقق عسر و حرج برای زوجه، حاکم شرع می‌تواند زن را طلاق قضائی دهد.

کلید واژگان: حقوق زن، حقوق جنسی، رابطه جنسی، حق استمتاع، طلاق قضائی.

* عضو هیئت علمی دانشگاه شهرکرد.

مقدمه

مفهوم حق را به عنوان آنچه مبتنی بر عدالت، برای افراد بشر پیش‌بینی شده است و توسط نیروی الزام‌آوری مورد حمایت قرار می‌گیرد، می‌توان با عنایت به منبع، قلمرو و ضمانت اجرا، به حق حقوقی و حق اخلاقی تقسیم کرد. در هم تندگی حق حقوقی با حق اخلاقی و همچنین ابتناء بسیاری از حقوق، بر ارزش‌ها و حقوق اخلاقی، موضوعاتی بدیهی در مباحث فلسفه حقوق به شمار می‌روند؛ به نحوی که حتی برخی ادعا کرده‌اند استدلال حقوقی، عیناً همان استدلال اخلاقی است تا آنجا که دست کم در امور بنیادین، تنها قانون واقعی در هر جامعه‌ای قانون اخلاقی است و اگر قانونگذار، قانونی را خلاف قاعده اخلاقی برگزیند آن قانون از اعتبار ساقط است. آمیختگی و امتزاج قواعد حقوق خانواده با نظام ارزشی و اخلاقی، تبلور خاص و نمونه‌ای اعلا از آمیختگی حقوق و اخلاق می‌باشد. یکی از قواعد پذیرفته شده اخلاقی (صرف نظر از گرایش مذهبی) نظام تک‌شوهری در حقوق خانواده است. زنان، حسب فطرت و ویژگی‌های خاص وجودی خود، تمامی محبت و علاقه خود را برای یک شوهر هزینه می‌کنند. رابطه‌ای که بین زن و مرد به عنوان ارکان تشکیل دهنده خانواده ایجاد می‌گردد علاوه بر تأمین نیازهای مادی و روانی، باید پاسخگوی نیازهای طبیعی و فطری به نام «نیاز جنسی» نیز باشد. تأمین این نیاز به قدری اهمیت دارد که حتی برخی اساتید حقوق، اساس رابطه زوجیت را «رابطه جنسی» دانسته‌اند.^۱ اگرچه بی‌گمان، علقه و رابطه بین زن و شوهر علقه مبارک و فراتر از «رابطه جنسی» است، لکن این نیاز نیز مانند سایر نیازمندی‌های بشری باید مورد احترام و حمایت قرار گیرد.

در نظام حقوقی مبتنی بر ساختار «تک‌شوهری»، ممکن است تأمین نیاز

۱. راسخ، حق و مصلحت، ص ۷۴.

۲. لنگرودی، حقوق خانواده، ص ۱۵۸.

جنسی زنان به علل مختلف مورد تهدید قرار گیرد. نظام حقوقی اسلام علاوه بر پذیرش ساختار «نک شوهری» برای زنان و قرار دادن مجازات‌های سنگین برای زنانی که قصد ارضای جنسی خود در خارج از چارچوب خانواده را داشته باشند، در این موضوع نگاهی نو، مبتنی بر احترام و کرامت برای زن دارد. تبیین نظریه اسلام در خصوص «حق زوجه بر استمتاع جنسی» نیازمند بحث از ادله فقهی است. ممکن است سؤالات متعددی در این زمینه پیش آید؛ سؤالاتی مانند اینکه اگر زنی از نظر مزاجی سرد بوده و دیر تحریک شود و به همین دلیل نه تنها از رابطه جنسی لذت نبرد بلکه این عمل برای او ناراحت کننده نیز باشد، چگونه باید از حق جنسی او حمایت کرد؟ یا اگر زنی گرم مزاج بوده و در حالت تحریک مداوم باشد، فقه چه حمایتی برای او اندیشیده است؟ اگر شوهر وی توان ارضاه مشروع او را نداشته باشد، برای حمایت از زن چه راه حلی را باید پیمود؟ یا در صورتی که در هنگام درخواست زوج، زن برای انجام عمل زناشویی آمادگی نداشته باشد، به منظور حمایت از حق استمتاع زن، چه راهکاری باید اندیشیده شود؟

فقها در خصوص حقوق جنسی زوجه، در مباحث مختلفی نظیر نکاح، طلاق و حدود به تناسب بحث، به بررسی مصدقی برخی از اقسام این حق پرداخته‌اند. بحث از حق هم خوابگی (قسم)، ترک رابطه جنسی، مشروعيت عزل، دخول از مقعد و غیره در مباحث نکاح و بحث از مواردی همچون افضا، لزوم پرداخت دیه در صورت آسیب به زوجه در طی رابطه جنسی و غیره در مباحث جزایی فقه منعکس شده است.

همچنین فقها با استناد به روایاتی که دستور العمل‌هایی برای رابطه جنسی پیشنهاد می‌کنند و با توجه به لسان این ادله و با حمل این اوامر بر استحباب،^۳ بعضًا در مقدمه کتاب النکاح به برخی حقوق جنسی زوجین، البته با نگاهی اخلاقی و نه الزام آور، پرداخته‌اند.

۳. فاضل لنکرانی، النکاح، ص ۱۴-۱۶؛ خوبی، موسوعة الامام الخوئی، ج ۳۲، ص ۲۳-۲۴.

در راستای تبیین حق استمتعاج جنسی زن پس از ازدواج، ابتدا پیش فرض های این پژوهش مطرح و سپس به بررسی ادله مختلف در این موضوع پرداخته خواهد شد. مقاله در دو قسمت ادله عام و ادله خاص تدوین شده است. در بحث از ادله عام، دلایل عامی که می توان از آنها حق استمتعاج زوجه را استنباط کرد بررسی می شود و در ادله خاص، دلایلی که به صورت مشخص به حق جنسی زوجه توجه و اشاره کرده بیان می گردد و در پایان نیز به تحلیل و نقد ادله مخالفان پرداخته شده است.

گردآوری اطلاعات در این مقاله با استفاده از روش کتابخانه ای و مراجعه مستقیم به منابع انجام شده است و داده های آن با شیوه توصیفی- تحلیلی مورد بررسی قرار گرفته اند.

پیش فرض های پژوهش

این پژوهش دارای پیش فرض هایی است که مؤلف بر اساس آنها به تقریر مطالب پرداخته است از جمله اینکه :

الف) تبیین و تعریف حق در نظام حقوقی اسلام، از منابع فقهی یعنی قرآن، سنت، عقل و اجماع با اتكا به روش های استنباطی اصولی امکان پذیر است.

ب) حقوق جنسی مطرح شده در این پژوهش در فرضی موضوعیت دارند که اصل رابطه جنسی از طریق انعقاد عقد نکاح مشروع(دائم یا موقت) باشد.

ج) زوجین از عیوب موجب فسخ نکاح خالی باشند. به عبارت دیگر، این پژوهش ناظر بر حقوق جنسی «زوجین سالم» است.

بررسی ادله

ادله فقهی که می توانند مورد استناد قرار گیرند به دو دسته ادله عام و ادله خاص تقسیم می شوند:

الف) ادله عام

در منابع فقهی، آیات و روایات و حتی قواعد متقن فقهی وجود دارد که می‌تواند «لزوم حسن معاشرت در تمامی روابط بین زوجین» را اثبات کند و می‌توان موضوع مقاله را یکی از مصادیق این عنوانین تلقی کرد. از این رو، از این ادله به عنوان ادله عام یاد می‌گردد.

۲۱۲
شماره ۷۷، جلد ۶، پیامبر اکرم (ص)

۱. حرمت ایذاء مسلمان و به خصوص همسر
ایذاء معنای گستردگی دارد که شامل هرگونه ناراحت سازی دیگران می‌باشد.^۴ اعمالی از قبیل ضرب و شتم، غیبت، تهمت، برآورده نساختن نیازهای مشروع دیگری و... را می‌توان مصادیقی از ایذاء تلقی کرد. در کتب متعدد روایی، باب خاصی به عنوان «ایذاء المؤمن» اختصاص داده شده است.^۵ روایات این باب که ناظر بر کرامت ذاتی بشر هستند، انجام هرگونه فعل یا ترك فعلی را که به موجب آن، انسان دیگری ناراحت و آزرده شود، تقبیح کرده‌اند. در طی یک رابطه جنسی، حساسیت روحیه طرفین بالا می‌رود و لذا زوجین حق ندارند مرتكب اعمالی گردند که باعث ناراحتی و اذیت شدن طرف مقابل می‌شود. نمونه بارز ایذاء، ایذاء در حین رابطه و عمل جنسی است؛ زیرا در این موقعیت، احساسات طرفین به خصوص زنان به هیجان و حساسیت بالایی رسیده و هرگونه بذرفتاری جنسی باعث می‌شود که این احساسات مشروع، جریحه دار شوند.

پیامبر اکرم (ص) در مورد ایذاء همسر می‌فرماید:

۴. مازندرانی، شرح الكافی، ص ۲۴۸.

۵. فیض کاشانی، الواقی، ج ۵، ص ۵۹۵؛ حرعاملی، تفصیل وسائل الشیعه إلی تحصیل مسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۲۶۴؛ حرعاملی، هدایة الامة إلی احكام الائمة عليهم السلام، ج ۵، ص ۱۸۵؛ بروجردی، جامع احادیث الشیعه، ج ۲۵، ص ۵۴۶.

محمد بن على بن الحسين في (عقاب الأعمال) : في عيادة المريض عن النبي(ص)، قال : من كان له امرأة تؤذيه لم يقبل الله صلاتها ولا حسنة من عملها حتى تعينه (تعتبه) وترضيه وإن صامت الدهر وقامت واعتقدت الرقاب وانفقت الأموال في سبيل الله و ... ؟^٦

هر کس همسری داشته باشد و او را اذیت کند، تا وقتی که رضایت او را جلب نکند، خداوند نماز و حسنات او را نمی پذیرد هرچند که تمام عمر را روزه بدارد و تمام اموال خود را انفاق کند و

از این رو، با عنایت به این دسته از ادلہ باید هر عملی را که قبل، حین و بعد از رابطه جنسی، «ایذاء» نامیده شود، محکوم کرد. بنابراین، در مواردی که رعایت نکردن حق استمتاع زوجه باعث ایذاء وی شود، این عنوان باعث تحریم افعال شوهر خواهد شد.

۲. آیه شریفه «و عاشروهن بالمعروف»

تکلیف به حسن معاشرت بین زوجین در آیه ۱۹ سوره نساء مطرح شده است. محققان در تفسیر این عبارت، معاشرت به معروف را صحبت کردن و معاشرت کردن^٧ و انصاف در رفتار و زیبایی در گفتار^٨ و برخی فقهاء نیز آن را رفتاری که بین سایر مردمان متعارف است نامیده‌اند.^٩

معاشرت به معنای همراهی و مصاحبی و تعامل آمده و معروف نیز به معنای عمل کردن بر وفق فرمان الهی گفته شده است.^{۱۰} برخی محققان نیز عبارت

٦. حرعاملى، تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشیعه، ج ۲۰، ص ۱۶۳.

٧. راوندی، فقه القرآن، ج ۲، ص ۱۸۴.

٨. قمی مشهدی، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۳، ص ۳۶۰.

٩. ابن ادریس، السرایر، ج ۲، ص ۶۵۵.

۱۰. طریحی، مجمع البحرين، ج ۵، ص ۹۴.

واجب و مستحب عمل کنند.^{۱۱}

«وعاشر و هن بالمعروف» را به معنای «با زنان به شایستگی زندگی کنید» دانسته‌اند و این شایستگی را در صورتی محقق می‌دانند که زنان و مردان به وظایف خود اعم از

حسن معاشرت یا خوش‌رفتاری زن و شوهر مربوط به عرف و عادات و رسوم اجتماعی است و مقتضای آن بر حسب زمان و مکان و فرهنگ زن و شوهر متفاوت می‌باشد. داشتن روابط جنسی به طور متعارف، از لوازم حسن معاشرت است و هرگاه زن یا شوهر از آن استثناء کنند، خلاف وظیفه حسن معاشرت رفتار کرده‌اند.^{۱۲}

امام صادق(ع) در روایتی (رحم الله عبداً أحسن فيما بيته وبين زوجته فان الله عزوجل قد ملكه ناصيتها و جعله القيم عليها) مردانی را که روابط بین خود و همسرشان را حسنه و نیکونموده‌اند دعا فرموده‌اند.^{۱۳} پیامبر(ص) نیز در مورد حسن رفتار با زنان می‌فرماید: «خيركم خيركم لنسائه و آنا خيركم لنسائي، بهترین شما کسی است که بهترین رفتار را با همسر خود داشته باشد و من بهترین شما، در رفتار با همسر هستم».^{۱۴}

امر به معاشرت بالمعروف، اگرچه مقتضی و جوب اجابت هرگونه درخواستی از سوی زوجه نیست؛ اما باید پذیرفت که هرگاه درخواست‌های زوجه، مشروع باشد و رد این درخواست‌ها از سوی مرد منجر به ظلم و جور بر زن شود، قطعاً اقتضای و جوب خواهد داشت.^{۱۵}

۱۱. قریشی، قاموس قرآن، ج ۵، ص ۱.

۱۲. صفائی و امامی، حقوق خانواده، ج ۱، ص ۱۳۷.

۱۳. مجلسی دوم، روضة المتقين، ج ۸، ص ۳۷۷.

۱۴. همان، ص ۳۷۹.

۱۵. نجفی، جواهر الكلام، ج ۳۱، ص ۱۴۹.

مقتضای وجوب معاشرت بالمعروف، آن است که مرد در مواجهه با درخواست زن مبنی بر برقراری رابطه جنسی، نیاز جنسی زن را به نحو متعارف ارضاء کند؛ به گونه‌ای که زن از این رابطه به لذت مطلوبی برسد. شیخ طوسی نیز با استناد به همین دلیل می‌نویسد: «معاشرت به معروفی که امر قرآن است، اقتضا دارد نزدیکی به گونه‌ای باشد که زوجین از آن لذت ببرند».^{۱۶}

۳. قاعده نفی عسر و حرج

۲۱۵
۹
۴
۳
۲
۱
۰

یکی از قواعد مشهور و متنق فقهی، قاعده نفی عسر و حرج است. حرج به معنای ضيق و تنگی است و مقصود از نفی حرج، نفی هرگونه حرج خارجی است.^{۱۷} به عبارت دیگر، در دین اسلام هیچ حکمی که موجب ضيق و تنگی برای مکلفین شود جعل نشده است.^{۱۸} معیار قاعده، مطلق مشقت و سختی نیست، بلکه مشقت و سختی ای که عادتاً قابل تحمل نباشد.^{۱۹} در عین حال ملاک حرج، ملاک شخصی تلقی شده است.^{۲۰} اعمال خشونت در رفتار جنسی و عدم ارضاء جنسی در نظام حقوقی مبتنی بر ساختار تک شوهری، باعث ایجاد عسر و حرجی برای زوجه می‌شود که عادتاً نیز قابل تحمل نیست.

اگرچه بیشتر علماء حق زوجه را در مورد برقراری رابطه جنسی هر چهار ماه یکبار قلمداد کرده‌اند،^{۲۱} ولی این سؤال مطرح است که اگر قبل از انقضاض این مدت، زن به علت نیاز جنسی تقاضای برقراری رابطه جنسی کند، مرد با چه

۱۶. طوسی، *المبسوط*، ج ۶، ص ۱۳.

۱۷. محمدی، *قواعد فقه*، ص ۱۸۴.

۱۸. موسوی بجنوردی، *القواعد الفقهیہ*، ج ۱، ص ۲۵۳.

۱۹. مکارم شیرازی، *القواعد الفقهیہ*، ج ۱، ص ۱۸۲.

۲۰. همان، ص ۱۹۶.

۲۱. نجفی، *جوامن الكلام*، ج ۳۱، ص ۱۴۸.

تكلیفی مواجه است؟ اگر مرد را مکلف به اجابت درخواست زن گرم مزاج ندانیم، آیا زن برای تأمین نیاز جنسی خود به عسر و حرج دچار نمی شود؟ تأمین نکردن نیاز جنسی زوجه نیز در بسیاری موارد غیر قابل تحمل است و از این رو زن به عسر و حرج دچار می شود.

اگر تکلیف کردن زوجه به اطاعت از شوهر به وسیله تمکین با این اطلاق «در هر وقت که زوج خواهد از او استمتاع یابد به جماع و سایر آنچه موجب التذاذ شود»^{۲۲} پذیرفته شود، در مواردی که زن به لحاظ روحی و احساسی تمایلی به رابطه ندارد و برقراری رابطه جنسی از سوی مرد، زن را به سختی و مشقت می اندازد، به صورتی که ممکن است این سختی و مشقت به لحاظ حساسیت موقعیت روحی زن لطمات جبران ناپذیری به او وارد کند چه چاره‌ای باید اندیشید؟ همچنین در مواردی که زن و مرد از نظر مزاجی متفاوت هستند و این تفاوت در مزاج به اندازه‌ای شدید است که زن را به سختی و مشقت غیر قابل تحملی انداخته باشد چه باید کرد؟

تمکین به برقراری رابطه جنسی، امری اضافی است که باید طرف قبولی هم داشته باشد،^{۲۳} همچنین تمکین نکردن از سوی شخصی را که وظیفه او تمکین است، نشوز می نامند؛^{۲۴} بنابراین در صورتی که زن در وضعیت روحی مناسبی برای برقراری رابطه جنسی نباشد و از انجام عمل جنسی امتناع کند، نمی توان به نشوز بودن او حکم کرد. در چنین مواردی عسر و حرج به وجود آمده برای زوجه باعث می شود تا در تمامی موارد، عذر زن پذیرفته شود.

هرگاه زن متقارضی برقراری رابطه زناشویی باشد، ولی همسر حاضر به

۲۲. نراقی، رسائل و مسائل، ج ۲، ص ۱۱۹.

۲۳. میرزای قمی، جامع الشتات فی أجویة السؤالات، ج ۴، ص ۳۶۰.

۲۴. همان.

همبستری با وی نباشد و یا نتواند از نظر جنسی او را ارضاء کند، و در صورت عدم ارضاء جنسی، زن به عسر و حرج دچار شود در این مورد آیا قاضی می‌تواند مرد را به برقراری رابطه جنسی ملزم کند یا اینکه صرفاً می‌تواند به تقاضای زوجه حکم طلاق را صادر کند؟

با توجه به قاعده نقی عسر و حرج نمی‌توان مرد را به برقراری رابطه جنسی ملزم کرد؛ زیرا مفاد این قاعده صرفاً نقی عسر و حرج می‌باشد همان‌گونه که در آیه شریفه آمده است «**مَا جَعَلْتُ عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ**؛ در دین حرجی برای شما قرار داده نشده است».^{۲۵}

۲۱۷

سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

به نظر ما در این قاعده رفع حکم اتفاق می‌افتد و نمی‌توان به استناد این قاعده حکم جدیدی را وضع کرد. با این حال، باید در نظر داشت که با توجه به لزوم معاشرت بالمعروف، تلاش مرد برای خارج شدن زن از وضعیت عسر و حرج نیز لازم است. در این مورد، چنانچه مرد به برقراری رابطه جنسی اقدام و سعی در ارضای زن کند، وضعیت عسر و حرج از بین می‌رود. لذا ابتدا باید مرد به برقراری رابطه جنسی ملزم شود و در صورت عدم امکان و یا عدم اراده مرد، زن طلاق داده شود.

در مواردی که مرد حاضر به ارضای زوجه نیست و یا اینکه اساساً توان ارضای همسر خود را نداشته باشد^{۲۶} و از این رهگذر زن به مشقت دچار شده باشد، قاضی می‌تواند حکم به طلاق بدهد. باید اضافه کرد که امتناع ناموجه شوهر از برقراری رابطه زناشویی نیز در مواردی که برای زن عسر و حرج ایجاد می‌کند، موجب پدید

. ۲۵. حج، آیه ۷۸.

۲۶. البته در مواردی که مرد دچار عنن باشد، زوجه می‌تواند نکاح را فسخ کند. موضوع مطرح شده، مربوط به جایی است که اگرچه مرد عنین نیست لکن توان ارضای کامل زوجه را نیز ندارد.

آمدن حق درخواست طلاق برای زن می‌شود. در تمامی موارد ذکر شده باید توجه داشت که وضعیت عسر و حرج حالتی استمراری است، لذا تحقق یک مورد در ماه یا چند مورد در سال نمی‌تواند دستاویزی برای استناد زوجه به عسر و حرج باشد.

۴. قاعده لا ضرر

قاعده مذبور از پرکاربردترین و بحث برانگیزترین قواعد فقهی است. در خصوص این قاعده مبانی مختلفی توسط فقهاء مطرح شده است^{۲۷} اما به نظر می‌رسد مبنای شیخ انصاری کامل‌تر باشد، لذا در این بخش تنها مبنای نظری ایشان بیان می‌گردد. شیخ انصاری معتقد است که مراد از «لا» در جمله «لا ضرر و لا ضرار فی الإسلام»، نفی جنس حقیقی نیست؛ زیرا در عالم خارج، واقعاً ضرر وجود دارد. در این جمله، واژه «حكم» در تقدیر گرفته شده و منظور آن است که حکم ضرری در اسلام وجود ندارد؛ بدین معنا که هر حکمی که از ناحیه شارع وضع گردد، اگر مستلزم ضرر باشد یا در اثر اجرای آن، ضرری به مردم وارد شود، وفق این قاعده برداشته خواهد شد.^{۲۸} به عبارت دیگر، هرگاه حکمی سبب تحقق ضرر گردد، از آنجایی که ضرر (سبب) در اسلام نباید تحقق پیدا کند، پس حکم (سبب) نیز ثابت نخواهد شد. بر این مبنای کلیه احکامی که مستلزم ضرر برای زن هستند، برداشته شده‌اند. بنابراین می‌توان با استفاده از این ادلہ عموم و اطلاق ادلہ‌ای را که از حق استمتاع زوج سخن را نده‌اند، تخصیص و تقيید زد. از این رو در مواردی که برقراری رابطه جنسی از لحاظ جسمی یا روحی برای زن مضر

۲۷. برای مشاهده اختلاف نظرات موجود رجوع شود به: انصاری، فرائیدالاصول، ج ۲، ص ۵۳۳؛ خراسانی، کفایة الاصول، ج ۲، ص ۲۶۷؛ شریعت اصفهانی، قاعده لا ضرر، ص ۲۵؛ نراقی، عوائدالایام، ص ۱۸؛ امام خمینی، رسائل، ج ۱، ص ۵۰.

۲۸. انصاری، فرائیدالاصول، ج ۲، ص ۵۳۳.

باشد، حکم به وجوب تمکین او ساقط می‌شود. از سوی دیگر، در مواردی که برقراری رابطه جنسی از لحاظ جسمی یا روحی برای زن مضر باشد، می‌توان گفت که چنین زنی شان تمکین را ندارد ولذا تمکین بر او واجب نیست.

ب) ادله خاص

در بررسی ادله، مواردی یافت می‌شود که از مفاد هریک از آنها و یا از تحلیل روابط این ادله و یا حتی از مجموع این ادله می‌توان تصوری کلی این موضوع را دریافت. در برخی ادله نیز صراحتاً از برخی حقوق جنسی زوجه یاد شده است.

۲۱۹

۵
نهضت
پژوهش
دانش

۱. ملاعنه پیش از نزدیکی

زنان در خصوص مسائل جنسی دارای ویژگی‌های خاصی هستند. امام علی(ع) در روایتی می‌فرماید: «عده من أصحابنا، عن أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ بْنِ عَيْسَى عن الْحَسِينِ بْنِ سَعِيدٍ، عن الْحَسِينِ بْنِ عَلْوَانَ، عن سَعْدِ بْنِ طَرِيفٍ عَنْ الْأَصْبَحِ بْنِ نَبَاتَةٍ، قَالَ: قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ (ع): خَلَقَ اللَّهُ الشَّهْوَةَ عَشْرَ أَجْزَاءً فَجَعَلَ تِسْعَةً أَجْزَاءَ فِي النِّسَاءِ وَجَزْءًا وَاحِدًا فِي الرِّجَالِ؛ خَدَاوَنْدَ شَهْوَتَ رَا در ده جزء آفرید و نه جزء آن را در زنان قرار داد و یک جزء آن را در مردان قرار داده است.^{۲۹} در روایت دیگری ضمن تأیید این مطلب، به حیاء بسیار زیاد زنان اشاره شده است^{۳۰} که همین حیاء مانع از بسیاری گناهان در جامعه می‌شود. از این رو، طی یک رابطه جنسی مسائل متعدد و گوناگونی وجود دارد که مردان باید دقت کافی را به آنها داشته باشند. در کتب روایی، ابراب مختلفی تحت عناوین «استحباب مکث و درنگ و

. ۲۹. کلینی، الفروع من الكافي، ج ۵، ص ۳۳۹.

. ۳۰. همان، ح ۵.

ملاعبه و ترک عجله در زمان نزدیکی^{۳۱} یا «بیان آداب لمس کردن زوجه و زمان‌ها و مکان‌ها و اعمال شایسته و مورد کراحت برای انجام آن»^{۳۲} یا «ملاعبه (عشق بازی کردن) با همسر»^{۳۳} و سایر عنوانین مشابه آمده است.

روایات، ملاعبه و معاشقه با زوجه را یک عمل پسندیده – که جزء سنن رسول الله(ص) است – معرفی کرده‌اند. مطابق روایت نبوی: «کل لهو باطل الا ما کان من ثلاثة: رميك عن قوسك و تأديبك فرسك و ملاعيتك أهلك؛ فانه من السنة؛ هر عمل لهوى باطل است، به جز ... معاشقه و ملاعبه با همسر، که این کار از سنت است.»^{۳۴} در روایت دیگری از نبی مکرم اسلام از موقعه با همسر قبل از انجام ملاعبه، به جفا تعبیر شده است.^{۳۵} تعبیر به جفا در این موارد بیانگر حق بودن استمتاع برای زوجه است؛ چرا که اگر زوجه حقی بر استمتاع جنسی نداشته باشد و طرف مستمتع در رابطه صرفاً زوج باشد، رعایت نکردن دستور به ملاعبه، نباید جفا تلقی شود.

در برخی دیگر از روایات به آرامش داشتن و رعایت سکینه و طمأنیه طی رابطه جنسی اشاره شده و از هرگونه تعجیل حین این رابطه، نهی شده است. امام علی(ع) در روایتی می‌فرماید: «إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَنْ يَأْتِيَ أَهْلَهُ فَلَا يَعْجِلَهَا، فَإِنَّ للنِّسَاءِ حَوَافِعَ؛ هَنَّاكَمِيْ كَهْ قَصْدَ مِيْ كَنِيْدَ بَا هَمْسِرَ خَوْدَ هَمْبَسْتَرَ شَوِيْدَ، بَا شَتَابَ بَا

۳۱. «باب استحباب المكث والليل والملاعبة وترك التعجب عند الجماع»

۳۲. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۲۱.

۳۳. «بيان آداب الملامسة وأوقاتها الممدودة والمكرورة وأماكنها وما يكره عندها»

۳۴. بروجردی، جامع أحاديث الشيعة، ج ۲۵، ص ۳۸۸.

۳۵. باب استحباب ملاعبة الرجل ومداعبتها.

۳۶. حرعاملى، هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۷، ص ۱۶۶.

۳۷. نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۲۲۱.

۳۸. حرعاملى، تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۴۵.

او رفتار نکنید؛ همانا زنان نیازهایی دارند». ^{۳۹} در این روایت، امام به نیازهای جنسی زنان اشاره کرده و دستور داده اند رابطه جنسی به نحوی باشد که حاجت و نیاز زن نیز تأمین شده باشد.

فیض کاشانی ذیل روایتی از امام صادق(ع) که می فرماید: «إذا جامع أحدكم أهله فلا يأتيهنّ كما يأتي الطير ليمكث وليلبّث؛ هنگامی که با همسر خود همبستر می شوید مانند پرنده‌گان آمیزش نکنید؛ بلکه با آرامش و درنگ او را سست نمایید»^{۴۰} در بیان فلسفه لزوم این آرامش به تفاوت احساسات زن و مرد اشاره کرده است. ایشان می نویسد: «پس از تحقق عمل دخول، مرد آرام می شود و شهوت او کمرنگ می گردد؛ اما شوق و شهوت زن پس از انجام عمل دخول تقویت شده و ادامه دارد». ^{۴۱} از این رو، امام معصوم با در نظر گرفتن این تفاوت فیزیولوژیکی راهکاری را برای ارضای هر دو طرف ارائه کرده است.

در پژوهشی پیرامون انواع خشونت خانوادگی نزد زنان درک نکردن نیازهای غریزی زنان توسط شوهر و رها کردن زن بعد از ارضاه توسط مرد به ترتیب با پراکندگی ۸۲٪ و ۷۵٪ توسط گروه نمونه به عنوان خشونت‌های جنسی علیه زنان معرفی شده است. ^{۴۲} بنابر این به نظر می رسد در این دسته از روایات، مردان به درک نیازهای غریزی زنان توجه داده شده اند و همین امر نشان دهنده اهمیت موضوع برای شارع بوده است. شارع با بیان این دستورها، مردان را به رعایت این حق اولیه توجه داده است.

۳۹. حر عاملی، هدایة الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۷، ص ۱۱۶.

۴۰. فیض کاشانی، کتاب الواقي، ج ۲۲، ص ۷۲۱؛ حر عاملی، هدایة الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۷، ص ۱۱۶.

۴۱. فیض کاشانی، کتاب الواقي، ج ۲۲، ص ۷۲۱.

۴۲. ملک افضلی و همکاران، «بررسی انواع خشونت خانوادگی نزد زنان در شهر اصفهان، سال ۱۳۸۲»، مجله علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی قم، شماره ۲، ص ۶۵.

۲

۲. وجود دستورالعمل هایی برای استمتاع بیشتر زوجه

استمتاع و بهره‌وری جنسی، امری طرفینی است که زوجین نسبت به آن محقق هستند. در بررسی روایات، ادله‌ای یافت می‌شود که برای هرچه بیشتر شدن این لذات مشروع، دستورالعمل هایی پیشنهاد شده است. اگرچه این دستورالعمل‌ها را بر استحباب حمل کرده‌اند^{۴۳}، اما از مجموع این روایات می‌توان پی‌بردن که زوجین بایستی به نیازهای جنسی یکدیگر توجه و دقت لازم و کافی را داشته باشند. از اله موهای زائد توسط مردان،^{۴۴} انجام ندادن عمل زناشویی در اوقاتی که معمولاً زن آرامش روانی مناسبی ندارد؛ مانند شب یا روزی که زلزله‌ای اتفاق افتاده یا کسوف یا خسوفی محقق شده است^{۴۵} و همچنین توصیه‌های پیامبر به داماد خویش حضرت علی بن ابی طالب(ع) قابل توجه می‌باشد.^{۴۶} توصیه‌های پیامبر ضمن این حدیث طولانی و همچنین سایر روایات مشابه، لزوم توجه و دقت مردان در تعامل با همسر را گوشزد می‌کند.

در این بین، روایاتی وجود دارد که صراحتاً لذت بردن زن را مهم تلقی کرده است. امام رضا(ع) می‌فرماید:

الرسالة الذهبية للرضا(ع): ولا تجماع امرأة حتى تلاعبه و تكثر ملاعبتها و تغمز ثديها، فإنك إذا فعلت ذلك (غلبت شهوتها) واجتمع ماؤها، لأنّ ماءها يخرج من ثديها والشهوة تظهر من وجهها وعيبيها و اشتهرت منك مثل الذي

^{۴۷} تستويه منها؛

۴۳. برای نمونه نگاه کنید به: فاضل لنکرانی، النکاح، ص ۱۶-۱۴.

۴۴. ابن حیون، دعائیم الإسلام، ج ۲، ص ۲۱۳.

۴۵. حرعاملى، هداية الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام، ج ۴، ص ۲۲۵؛ ابن بابويه قمي، المقنع، ص ۱۰۷؛ مفید، الاختصاص، ص ۲۱۸.

۴۶. بروجردی، جامع أحاديث الشيعة، ج ۲۵، ص ۳۹۳-۳۸۷.

۴۷. نوری طبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستبط المسائل، ج ۱۴، ص ۲۲۱.

با همسر خود همبستر مشو مگر اینکه با او ملاعنه نمایی و ملاعنه کردن را زیاد تکرار کن و پستانهای او را مالش بده؛ هنگامی که تو این گونه عمل کنی شهوت و اشتیاق زن بیشتر می شود و آب او جمع می شود؛ زیرا آب او از بین پستانهایش خارج می شود؛ و شهوت و اشتیاق از چهره و چشم او هویدا می گردد و در چنین حالتی تو نیز به همان هیجانی خواهی رسید که او رسیده است.

در این حدیث، دستورالعمل و راهکاری برای لذت بردن زوجه از رابطه زناشویی ارائه شده است.

از دیگر دستورهای وارده، می توان به استحباب انجام عمل زناشویی در شب اشاره کرد. زنان^{۴۸} به علت حالت حیاء و شرم ممدوحی که دارند از انجام این عمل در روز روشن پرهیز می کنند. همچنین در شب، آسودگی و آرامش مناسبی وجود دارد^{۴۹} که باعث لذت بردن بیشتر زن می گردد.

این دستورالعمل ها، برای التذاذ بیشتر طرفین ارائه شده اند ولی جنبه الزامی ندارند؛ لذا طرفین می توانند آن گونه که تمایل دارند و لذت بیشتری می برنند عمل کنند.

از سوی دیگر در فقه، از برقراری رابطه زناشویی در ایام خاصی که معمولاً زنان آمادگی جسمی یا روحی لازم برای برقراری رابطه جنسی را ندارند؛ مانند ایام حیض، نفاس و یا حالت احرام زن، نهی تحریمی شده است؛^{۵۰} مثلاً به موجب آیه ۲۲ سوره بقره مادامی که زن در ایام حیض می باشد، نزدیکی با او حرام است.^{۵۱}

۴۸. خوبی، موسوعة الامام الخوئی، ج ۳۲، ص ۸.

۴۹. یونس / ۶۷؛ نمل / ۸۶.

۵۰. ابن زهره حلبي، غنية النزوع، ص ۳۶۳.

۵۱. ابن ادریس حلی، السرائر، ج ۱، ص ۱۵۰ و ۳۴۸؛ اشتهاردی، مدارك العروه، ج ۵، ص ۱۳۶؛ فاضل لنکرانی، النکاح، ص ۱۳۶.

در مورد شان نزول این آیه نگاشته اند که کناره گیری از زنان در ایام حیض یکی از سنت های رایج بین یهودیان بود که به اعراب جاهلی نیز سراایت کرده بود. این سنت به اندازه ای افراطی بود که در ایام حیض زنان، مردان حتی مسکن و آب و غذا خوردن خود را از زنان حائض جدا می کردند. از سوی دیگر، مسیحیان منطقه در این ایام هیچ چیزی را رعایت نمی کردند و با زنان حائض همبستر می شدند^{۵۲}. با نزول این آیه، مسلمانان راه میانه ای را در پیش گرفتند. در ایام حیض اگرچه عمل دخول حرام است، اما سایر استمتاعات مباح اعلام شده است^{۵۳}. در این مورد نگاشته اند: «اعتزال از موضع حیض که خون از آن جاری می شود، لازم است». ^{۵۴} همچنین این فتوا مستند به روایتی از امام صادق(ع) در مورد روابط زناشویی در این دوره است که می فرماید: «همه گونه تمتع جایز است به جز رابطه دخول از فرج». حضرت در ادامه همین روایت تأکید می کند که «همانا زن، بسان عروسک مرد است». ^{۵۵} استفاده از تعبیر «لعبه»(عروسک) ناظر بر این است که در ایام حیض نباید در رفتار جنسی به نحوی عمل شود که زن اذیت شود. به نظر می رسد حساسیت روحیه زن به طور عام و حساسیت بیشتر ایشان در این دوره باعث گردیده است تا این تعبیر در روایت استفاده شده است. نباید گمان شود که

۵۲. راوندی، فقه القرآن، ج ۲، ص ۵۱؛ فاضل مقداد، کنز العرفان فی فقه القرآن، ج ۱، ص ۴۳؛ فاضل، کاظمی، سالک الافهام إلی آیات الأحكام، ج ۱، ص ۹۲؛ ملکی میانجی، بدائع الكلام فی تفسیر آیات الأحكام، ص ۴۴.

۵۳. طوسی، الاستبصار، ج ۱، ص ۲۹۱.

۵۴. ابن ادریس حلّی، السرائر، ج ۱، ص ۱۵۰.

۵۵. سالت آبا عبد الله (ع) مَا يَحِلُّ لِلرَّجُلِ مِنَ الْمَرْأَةِ وَهِيَ حَائِضٌ؟ قَالَ: كُلُّ شَيْءٍ غَيْرُ الْفَرْجِ قَالَ ثُمَّ قَالَ: إِنَّمَا الْمَرْأَةُ لُعْبَةُ الرَّجُلِ.

۵۶. کلینی، الفروع من الكافي، ج ۵، ص ۵۳۹؛ حرعاملى، تفصیل وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۳۲۲؛ محمد تقی مجلسی، روضۃ المتین، ج ۹، ص ۲۳۸.

در این روایت زن به مانند عروسکی بدون احساس تلقی شده است که بازیچه دست و احساس مردان است؛ بلکه از متن و سیاق روایت به خوبی بر می‌آید که امام معصوم در مقام بیان ظرافت احساس و زیبایی روان زن است.

صدور چنین دستورالعمل‌هایی که از نظر تعداد روایت و حتی اتفاقان سندي قابل توجه می‌باشد به خوبی بیانگر حق بودن استمتاع و بهره‌وری زن در فرایند عمل جنسی است. منتقدان حقوق اسلام که بعضًا حقوق اسلامی را حقوقی مردانه می‌نامند با ملاحظه این دسته روایات قطعاً نظر خود را تغییر خواهند داد.

۲۲۵

پژوهشی علمی پژوهی

۳. حق هم خوابگی (حق قسم)

اگر قسم به فتح «قاف» خوانده شود به معنای قسمت و پاره است و اگر به کسر خوانده شود به معنای بهره و نصیب خواهد بود^{۵۷} بالحاظ این دو گونه معنا، هر دو قرائت صحیح خواهد بود. از نظر عرف، قسم به معنای تقسیم کردن شب‌ها بین زوجات است.^{۵۸} نقل شده است که فقهاء به اتفاق منتقدند زوجه هر چهار شب یک بار حق هم خوابگی دارد.^{۵۹} البته این اتفاق نظر فقهاء، مستند به روایات متعدد موجود در این زمینه است.^{۶۰} این حق را یک حق مشترک بین زوجین دانسته‌اند.^{۶۱} مشترک بودن این حق بین زوجین به دلیل ماهیت استمتاع است. با توجه به همین

۵۷. ابن منظور مصری، لسان العرب، ج ۱۲، ص ۴۷۸؛ خلیل بن احمد فراهیدی، العین، ج ۵، ص ۸۶.

۵۸. نجفی، جواهر الكلام، ج ۳۱، ص ۱۴۶.

۵۹. بحرانی، الحدائق الناصرة، ج ۲۴، ص ۵۸۸؛ طباطبایی، ریاض المسائل، ج ۲، ص ۱۴۹؛ فاضل لنکرانی، النکاح، ص ۴۷۲.

۶۰. حرعاملی، تفصیل وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۳۳۷.

۶۱. نجفی، جواهر الكلام، ج ۳۱، ص ۱۵۰.

ماهیت اشتراکی است که در صورت توافق طرفین، قابل اسقاط است. در صورتی که زوج این حق زوجه را رعایت نکند، لازم است در اولین فرصت، اهمال خود را جبران کند.^{۶۲}

غرض از تشریع حق هم خوابگی، ایجاد و افزایش انس و محبت بین زوجین، رعایت عدالت و پرهیز از ایداء و اذیت زن است و دلیل قرآنی آن نیز آیه «و عاشروهن بالمعروف ...» می باشد.^{۶۳} عموم زنان، بیش از رابطه جنسی، به محبت و توجه همسر خود نیاز دارند. حق قسم برای تأمین نیاز زنان به محبت جعل شده است. هنگامی که زن و شوهری حداقل هر چهار شب یک بار در آغوش یکدیگر آرام می گیرند و به تعبیر قرآنی به «سکینه» می رستند؛^{۶۴} احساس امنیت و آرامش زن تأمین شده و در صورت برقراری رابطه جنسی، لذت بیشتری می برد.

۴. حق بر انجام عمل جنسی

روایات، برقراری رابطه جنسی به همراه دخول را هر چهار ماه یک بار بر زوج واجب کرده اند.^{۶۵} این وجوب بدین معناست که زوج بایستی حداقل هر چهار ماه یک بار همسر خود را ارضا کند. بنابراین در واقع چهره دیگر این تکلیف، حق زوجه بر برقراری رابطه جنسی به همراه دخول است؛ بر مبنای حق بودن است که زوجه می تواند از این حق خود صرف نظر نماید ولی زوج نمی تواند بیش از این مدت از برقراری رابطه امتناع کند. در روایتی از امام رضا(ع) در مورد مردی

.۶۲. همان، ص ۱۹۳.

.۶۳. همان، ص ۱۴۹.

.۶۴. روم / ۶۴.

.۶۵. کلینی، الفروع من الكافي، ج ۶، ص ۱۳۰-۱۳۴؛ حرّ عاملی، تفصیل وسائل الشیعه، ج ۲۲، ص ۳۴۲.

پرسیده شد که به سبب ورود مصیبی بدون اینکه قصد اضرار به همسر را داشته باشد، یک سال با همسر خود مجامعت نکرده است؛ امام فرمودند: «وسائل صفوان بن یحییٰ آبا الحسن الرضا(ع) عن رجل یکون عنده المرأة الشابة فیمسک عنها الاشهر والسنة لا یقر بها لیس بـرید الاـضـرـارـ بـهـاـ یـکـونـ لـهـمـ مـصـیـبـةـ آـیـکـونـ فـیـ ذـلـکـ آـثـمـ؟ـ قالـ:ـ إـذـاـ تـرـكـهـاـ أـرـبـعـةـ أـشـهـرـ كـانـ آـثـمـ بـعـدـ ذـلـکـ ؛ـ اـگـرـ بـیـشـ اـزـ چـهـارـ مـاهـ اـینـ عـمـلـ رـاـ تـرـکـ کـنـدـ گـنـاهـکـارـ خـواـهـدـ بـودـ». ^{۶۶} در روایت مشابه دیگری امام(ع) در ادامه پاسخ فرموده‌اند: «عن صفوان بن یحییٰ، قال: سالت الرضا(ع) عن الرجل یکون عنده المرأة الشابة فیمسک عنها الاشهر والسنة لا یقر بها لیس بـرـیدـ الاـضـرـارـ بـهـاـ یـکـونـ لـهـمـ مـصـیـبـةـ یـکـونـ فـیـ ذـلـکـ آـثـمـ؟ـ قالـ:ـ إـذـاـ تـرـكـهـاـ أـرـبـعـةـ أـشـهـرـ كـانـ آـثـمـ بـعـدـ ذـلـکـ إـلـأـ انـ یـکـونـ بـیـاذـنـهـاـ ؛ـ ...ـ مـگـرـ اـیـنـکـهـ بـهـ اـذـنـ زـوـجـهـ اـشـ باـشـدـ». ^{۶۷} این حکم اولیه بوده و در صورتی که زن قبل از انقضای این مدت، مطالبه رابطه کند، مرد مکلف به تأمین نیاز زن است. در مورد ضمانت اجرای این حکم، باید گفت که تخطی از این واجب بر مرد، گناه است و در صورتی که از این رهگذر زن به عسر و حرج بیفتند می‌تواند از حاکم شرع تقاضای طلاق کند. این مسئله مورد فتوای برخی از بزرگان نیز بوده است. ^{۶۸}

گاهی زوج به قصد ضرر رساندن و اذیت کردن همسر، قسم یاد می‌کند که با همسر دائمی خود که پیشتر با او دخول انجام داده است، بیش از چهارماه رابطه جنسی نداشته باشد. به این عمل ایلاء گفته می‌شود.^{۶۹} گاهی نیز زوج به همسر خود می‌گوید: «پشت تو برای من، مانند پشت مادرم است». به این عمل نیز ظهار

.۶۶. طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۴۱۲.

.۶۷. همان، ص ۴۱۹.

.۶۸. طباطبایی یزدی، العروة الوثقی، ج ۲، ص ۸۱۰.

.۶۹. نجفی، جواهر الكلام، ج ۳۳، ص ۲۹۷.

۵. عزل

عزل به معنای خارج کردن اندام تناسلی مرد هنگام انزال از فرج زن می‌باشد؛
به نحوی که منی در خارج از آن ریخته شود.^{۷۰} در مورد مشروعیت عزل بین فقها
اختلاف نظر وجود دارد. برخی از فقهای اهل سنت آن را مستحب و مشروع
دانسته اند.^{۷۱} از میان فقهای شیعه برخی این عمل را بدون رضایت زوجه حرام

^{۷۰}. ظهار در فقه اسلامی نوعی جدایی در رابطه زناشویی است که مقررات آن در چهار آیه نخست سوره مجادله آمده است. ظهار وقتی به وقوع می‌پیوندد که مرد همسر خود را به پشت (ظهار) زنی که بر او محروم و حرام ابدی است، مثل مادر یا خواهر یا دخترش، تشبیه کند؛ یعنی مثلاً به همسرش بگوید: «تو برای من مثل پشت مادرم هستی». در فرهنگ اعراب پیش از اسلام این کار موجب طلاق و ممنوعیت ابدی ازدواج می‌شده، اما در مقررات اسلامی هرچند حرام و گناه است اما آزاری حقوقی به همراه دارد؛ از جمله اینکه باعث می‌شود تا آمیزش جنسی بین زوجین ممنوع شود مگر اینکه شوهر از ظهار رجوع کرده و کفاره ظهار را پردازد.

۷۱. نجفی، جواهرالكلام، ج ۳۳، ص ۹۶.

۷۲. بقره / ۲۲۶؛ مجادله / ۳.

۷۳. کلینی، کافی، ج ۶، ص ۱۳۳؛ حرمعلی، تفصیل وسائل الشیعه، ج ۲۲، ص ۳۴۲.

۷۴. خوبی، موسوعة الامام الخوئی، ج ۳۲، ص ۱۱۲.

۷۵. ابن حجر عسقلانی شافعی، فتح الباری فی شرح صحیح البخاری، ج ۹، ص ۳۰۸؛

نووی، المجموع شرح المهدب، ج ۱۶، ص ۴۲۱-۴۲۲؛ عینی، عمدة القاری فی شرح

صحیح البخاری، ج ۲۰، ص ۱۹۵.

اعلام کرده^{۷۶}، برخی برای این عمل دیه تعیین کرده،^{۷۷} برخی نیز آن را به طور مطلق جایز دانسته اند^{۷۸} برخی نیز این عمل را مکروه تلقی نموده و در عین حال برای آن قائل به دیه شده اند.^{۷۹} صاحب جواهر نیز این قول را به مشهور متسب کرده است.^{۸۰} برخی دیگر نیز معتقدند که در صورت اذن زوجه، این عمل مشروع بوده و در صورت عدم اذن وی، این عمل کراحت دارد.^{۸۱} با وجود روایات متعددی که بر جواز عزل دلالت دارند،^{۸۲} نمی توان منکر جواز عزل شد، لکن از جمع روایات باید همین نظر اخیر را پذیرفت. حکم کراحت، حکم اولیه موضوع، تلقی می گردد اما در صورتی که عزل باعث ایذاء زوجه شود، ادله حرمت ایذاء بر ادله این حکم اولیه مقدم خواهد بود.

۶. دخول از مقعد

در مورد جواز یا عدم جواز دخول از مقعد دو دسته روایت وجود دارد که باید به تحلیل آن پرداخت. از امام صادق(ع) در مورد مردی پرسیده شد که از مقعد با همسر خود رابطه دارد، امام پاسخ فرمودند: «عن عبدالله بن ابی یعفور، قال: سالت أبا عبدالله(ع) عن الرجل يأتی المرأة في دبرها، قال: لا بأس إذا رضيت... در صورتی که زن راضی باشد اشکالی ندارد...». در روایت دیگری امام به

۷۶. طوسی، الخلاف، ج ۴، ص ۳۵۹.

۷۷. علامه حلی، تحریر الاحکام الشرعیة، ج ۲، ص ۲۷۸.

۷۸. خوبی، موسوعة الامام الخوئی، ج ۳۲، ص ۱۱۴؛ بهجت، جامع المسائل، ج ۳، ص ۴۱۷.

۷۹. محقق حلی، شرائع الإسلام، ج ۲، ص ۲۶۵.

۸۰. نجفی، جواهر الكلام، ج ۲۹، ص ۱۱۲.

۸۱. فاضل لنکرانی، النکاح، ص ۳۴.

۸۲. کلینی، کافی، ج ۵، ص ۵۰۴؛ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۴۱۸.

۸۳. حز عاملی، تفصیل وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۱۴۶.

صورت مطلق این عمل را جایز دانسته است: عن ابن أبي يعفور، قال: سأله أبا عبد الله(ع) عن الرجل يأتي المرأة في دبرها، قال: لا بأس به،^{۸۴} و در روایت دیگر ضمن اعلام جواز اصل این عمل، فرموده است: «عن ابن أبي يعفور قال: سأله عن إتيان النساء في إعجازهنّ، فقال: ليس به بأس، وما أحب أن تفعله؛ من دوست ندارم این کار را انجام دهم». ^{۸۵} در روایت فتح بن یزید جرجانی نیز امام رضا(ع) فرموده اند: «و عن الفتح بن یزید الجرجاني، قال: كتبت إلى الرضا(ع) في مثله، فورد الجواب: سأله عمن آتى جارية في دبرها، والمرأة لعبه فلانؤذى، وهي حرث كما قال الله؛ زن، عروسک مرد است، پس او را اذیت نکنید؛ و همانطور که خداوند فرموده است(بقره/۲۲۳) زن، حرث(محل زراعت) است».^{۸۶} همچنین در چند روایت دیگر جواز این عمل از آیات قرآنی استنباط شده است. حضرت لوط با اینکه می دانسته است که قوم او در انجام عمل جنسی، فرج زن رانمی خواهند؛ خطاب به ایشان می فرماید: «... قال يا قوم هؤلاء بناتي هنّ اظهروا لكم... ؟ اينها دختران من هستند که برای شما پاک ترند»^{۸۷ و ۸۸} فلذا مشروعیت دخول از مقعد با زنان را به صورت ضمیمی پذیرفته است.

در دسته دیگری از روایات این عمل حرام اعلام شده است. پیامبر فرموده اند: «محاش النساء على أمتی حرام؛ مقعد زنان، بر امت من حرام است»^{۸۹} و در روایتی از امام صادق(ع) نقل شده است که در مورد مردی سؤال شد که از مقعد با همسر خود رابطه دارد؛ امام از این عمل، اعلام کراحت کردند و فرمودند: «و عن أبي

۸۴. همان، ص ۱۴۷.

۸۵. همان.

۸۶. همان، ص ۱۴۴.

۸۷. هود / ۷۸.

۸۸. حرعاملى، تفصیل وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۱۴۶، ح ۳.

۸۹. تهذیب الاحکام، ج ۷، ص ۴۱۶.

بصیر عن أبي عبدالله(ع) قال: سأله عن الرجل يأتي أهله في دبرها فكره ذلك و
قال: وإياكم ومحاش النساء وقال: إنما معنى (نساؤكم حرث لكم فاتوا حرثكم
آتى شئتم...) أي ساعة شئتم؟ از مقعد زنان پر هیزید. و در ادامه همین روایت،
معنای آیه شریفه «نساؤکمْ حَرْثٌ لَّکُمْ فَاتُوا حَرْثَکُمْ آتَى شَئْتُمْ...»^{۹۰} راحمل بر زمان
کرده است؛^{۹۱} یعنی هر زمان که خواستید با زنان خود رابطه داشته باشید. صاحب
جواهر نیز پس از نقل این احادیث ضمن خدشه در سند و دلالت این روایت، هیچ
کدام از روایات منع را نمی‌پذیرد. اما در نهایت، معتقد است که با عنایت به این
روایات باید این عمل راحمل بر کراحت بسیار شدید کرد.^{۹۲}

۲۳۱

جواهر
الكلام

لکن با تأمل در روایات این باب به نظر می‌رسد برای جمع بین این دو دسته
روایت می‌توان راهی غیر از حکم به کراحت شدید پیمود. روایات جواز، جواز را
به رضایت زوجه مقید کرده‌اند و در روایت چهارم نیز از زوجه به «العبه» تعبیر شده
است و اذیت او را رواندانسته است. بنابراین، روایات مطلق این دسته را باید حمل
بر رضایت زوجه نمود. لذا در صورتی که زوجه راضی به این فعل باشد کراحتی
وجود ندارد. از سوی دیگر، روایات دال بر عدم جواز را نیز می‌توان در مورد
فرضی دانست که زن رضایت ندارد. صاحب جواهر نیز این نظر را ارائه می‌کند
ولی به دلیل نبودن سابقه برای این فتوا و همچنین به منظور فرار از خرق اجماع
مرکب، این نحوه جمع را نمی‌پذیرد.^{۹۳} در نهایت به نظر می‌رسد با توجه به
روایات موجود در این باب هرگونه اجماعی در این خصوص، مدرکی محسوب
شده و قابل استناد نیست. از سوی دیگر، نبودن سابقه برای یک فتوا نمی‌تواند

. ۹۰. بقره / ۲۲۳.

. ۹۱. حرعاملى، تفصیل وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۱۴۴، ح ۹.

. ۹۲. نجفى، جواهرالكلام، ج ۲۹، ص ۱۰۶.

. ۹۳. همان، ص ۱۰۸.

باعث و هن آن نظر و فتوا گردد، بنابراین به نظر می‌رسد با عنایت به لسان این ادله، بهترین نوع جمع، همین جمعی باشد که از سوی صاحب جواهر ارائه شده است.

در این صورت رضایت‌مندی زوجه نیز از عمل زناشویی تأمین شده است.
از مجموع ادله مذکور بر می‌آید که در فرایند عمل جنسی، زوجین باید به نیازهای یکدیگر احترام بگذارند. این برداشت که زن وسیله شهوت رانی مرد بوده و برای التذاذ او مکلف به تعییت است، قطعاً مطرود فقه شیعه است. زن حق دارد در فرایند عمل جنسی، همچون مرد کامیاب شود و فقه شیعه مواردی را که باعث آزار و اذیت زن شده تقبیح و تحريم کرده است و در مواردی نیز که احتمال ناراحتی زن وجود داشته است موضوع را به رضایت او منوط کرده است. لذا مجموعاً حق بهره‌وری و کامیابی جنسی زن از ادله قابل استنتاج می‌باشد.

بررسی ادله مخالفان

در میان مباحث فقهاء عنوان «حق استمتاع با تمتع جنسی زن» به صورت مستقل مورد بحث واقع نشده و ظاهراً مورد توجه هم نبوده است؛ لکن شاید بتوان از برخی عبارات ایشان، نظر دیگری استنتاج کرد. به منظور تدقیق موضوع و پاسخ‌گویی به شباهات و یا سؤالات و یا نظرات مخالف با نظریه مطرح شده در این مقاله، در ادامه به بیان و نقد ادله عمدۀ مخالفان پرداخته خواهد شد.

۱. اطلاق آیه «... نساوکم حرث لكم فاتوا حرثکم آنی شئتم...»

آیه ۲۲۳ سوره شریفه بقره می‌فرماید: «... نساوکم حرث لكم فاتوا حرثکم آنی شئتم...»؛ برخی با استدلال به این آیه حق جنسی را مختص زوج پنداشته و نگاشته‌اند: «در هر وقت که زوج خواهد از او استمتاع یابد به جماع و سایر آنچه

موجب التذاذ شود»^{۹۴} در حالی که با خدش در دلالت آیه، اساس فتوای ایشان متزلزل می‌گردد.

آنچه نیاز به بحث و بررسی دارد، تحلیل معنای لفظ «آنی» در تفسیر این آیه شریفه می‌باشد که در این مورد چند گونه استدلال شده است؛ نخست آنکه لفظ «آنی» در عبارت «فأتوا حِرْثَكُمْ أَنَّى شَتَّمْ» بر جواز مقاربت از حیث مکان دلالت داشته و از این رو جواز وطی از دبر از آن استفاده می‌شود.^{۹۵} برخی لفظ را ناظر بر زمان و مؤید دیدگاه خود را آیه ۲۲۲ سوره بقره دانسته اند که به مسئله حیض زنان و نزدیکی نکردن با ایشان در این ایام دلالت دارد^{۹۶} به گونه‌ای که در غیر این زمان استمتاع از زن در هر زمان که مرد بخواهد جایز است.

برخی نیز معتقدند که واژه «آنی» در آیه مطلق آمده و در زمان و مکان استعمال گردیده است، بنابراین، به مردان حق هرگونه بهره‌وری جنسی از زن را می‌دهد. مردان در هر زمان و مکان، می‌توانند از همسر خود هر نوع استمتاعی داشته باشند^{۹۷} این عده در مقام اثبات دیدگاه خود به روایات متعددی که در تفسیر این آیه آمده است، استناد می‌کنند.^{۹۸}

در پاسخ به قائلین اطلاق می‌توان چنین استدلال کرد:

الف) این آیات در مقام رفع حظر^{۹۹} است و امر عقیب حظر نیز صرفاً بر مورد

۹۴. نراقی، رسائل و مسائل، ج ۲، ص ۱۱۹.

۹۵. روحانی، فقه الصادق، ج ۲۱، ص ۷۱-۷۰؛ علم الهدی، رسائل، ج ۱، ص ۲۳۳.

۹۶. فاضل هندی، کشف اللثام، ج ۲، ص ۵۴؛ خوبی، موسوعة الامام الخوئی، ج ۳۲، ص ۱۰۷-۱۰۸.

۹۷. محقق حلی، شرائع الإسلام، ج ۲، ص ۶۰۷.

۹۸. حرمعلی، تفصیل وسائل الشیعہ، ج ۱۴، ص ۱۱۰.

۹۹. بسیاری از اصولیان معتقدند که صیغه امر ظهور در وجوب دارد. این عده از علماء در امری که بعد از نهی واقع می‌شود با هم اختلاف دارند. بعضی از آنها قائل اند که امر بعد از نهی، <

اصل جواز عمل دلالت دارد؛^{۱۰۰} بدین معنا که با مرتفع شدن ممنوعیت ایام حیض، نزدیکی بازن در هر زمان و مکان یا به هر شکل ممنوع نیست، اما آیه در صدد اثبات این امر نمی‌باشد که تمام انواع استمتاع در هر زمان و مکان حق مرد یا تکلیف زن است. به تعبیر دیگر، اطلاق آیه در جهت جواز رفع حظر است، نه در جهت اثبات حق یا تکلیف.^{۱۰۱}

ب) آیه در صدد بیان این مطلب است که زنان برای بقای نسل مانند حرث می‌باشند. بقای نوع، تقیید زمانی یا مکانی بر نمی‌دارد؛ بنابراین، در صدد اثبات حق استمتاع برای مرد به صورت مطلق نیست.^{۱۰۲}

نهایت مطلب آنکه حتی اگر عموم یا اطلاقی برای این آیه اثبات گردد، با استفاده از ادله‌ای که بحث شد می‌توان این عموم و اطلاق را تخصیص و تقسیم زد و حق استمتاع جنسی زوجه را مورد لحاظ قرار داد.

۲. روایات دال بر انحصار حقوق زوجه

یکی از فقهای برجسته^{۱۰۳} با استناد به روایاتی که در ادامه به آنها خواهیم پرداخت، حقوق زوجه را در تأمین غذا و پوشش مناسب و بخشش هنگام خطا منحصر کرده است و حتی صراحتاً فرموده: «حق استمتاع مربوط به زوجه نیست و به همین دلیل بر شوهر واجب نیست در صورت مطالبه رابطه از سوی زن آن را

بر اباده دلالت می‌کند. بعضی دیگر قائل به وجوب اند و برخی دیگر هم امر بعد از نهی را تابع امر قبل از نهی دانسته اند؛ مثال موضع بحث آیه «إذ حللت فاصطادوا» می‌باشد.

۱۰۰. آخوند خراسانی، کفاية الاصول، ج ۱، ص ۲۱۱.

۱۰۱. شکری و مؤمن، «نقش قاعده لا ضرر در حق خودداری زن از تمکین خاص»، مجله مطالعات راهبردی زنان، شماره ۵۱، ص ۱۱۰.

۱۰۲. طباطبائی، ریاض المسائل، ج ۲، ص ۲۲۳.

۱۰۳. نجفی، جواهرالکلام، ج ۳۱، ص ۱۵۳.

اجابت نماید»؛^{۱۰۴} از جمله این روایات می‌توان به روایات ذیل اشاره کرد:

الف) اسحاق بن عمار از امام صادق(ع) پرسید: حق زوجه بر مرد چه چیزی است که در صورت انجام آن، مرد، محسن محسوب شود؟ «عن اسحاق بن عمار، قال: قلت لأبي عبدالله (ع): ما حق المرأة على زوجها الذي إذا فعله كان محسناً؟ قال: يشبعها ويكسوها وإن جهلت غفرلها ... امام پاسخ فرمودند: او را سیر کند و پوشاند و اگر خطایی کرد، بیخشد »^{۱۰۵}

ب) از امام در مورد حقوق زوجه پرسیده شد؛ امام فرمودند: «عن شهاب بن عبد الرحيم، قال: قلت لأبي عبدالله (ع): ما حق المرأة على زوجها؟ قال: يسد جوعتها ويستر عورتها ولا يقيح لها وجهًا ... ؛ شكم او را سیر کند، عورت او را پوشاند (کنایه از اینکه به او پوشش مناسب بدهد) و بر او ترشویی نکند... ».^{۱۰۶} اگرچه این روایات همان گونه که گفته‌اند مستفیض و بلکه متواتر هستند^{۱۰۷} لکن در بررسی آنها باید دقت داشت که این روایات در مورد نفقه و میزان آن وارد شده‌اند و نمی‌توان با تمسک به انحصار وارده و اطلاق این دسته از روایات حقوق زوجه را به رفع گرسنگی و تأمین پوشش و عدم ترشویی منحصر کرد؛ زیرا اساساً این روایات در مقام بیان حداقل‌های زندگی زناشویی بوده‌اند و از موضوع تأمین نیازهای جنسی انصراف دارند.

نتیجه

در نگاهی منظومه وار به حقوق اسلام، حق استمتاع جنسی زنان قابل استنباط

۱۰۴. همان.

۱۰۵. کلینی، کافی، ج ۵، ص ۵۱۰، ح ۱.

۱۰۶. حرعاملی، تفصیل وسائل الشیعه، ج ۲۱، ص ۵۱۳، ح ۱.

۱۰۷. نجفی، جواهرالکلام، ج ۳۱، ص ۱۵۳.

منابع و مأخذ

درخواست طلاق کند.

است. زوجه در رابطه زناشویی حق دارد بهره وری و استمتاع جنسی را تجربه کند و مرد نیز در مواردی که برقراری رابطه زناشویی به تقاضای زوجه باشد، مکلف به اجابت زوجه است. با وجود حق استمتاع جنسی زوجه، هرگاه مرد بدون داشتن عذر موجه از برقراری رابطه زناشویی امتناع ورزد، گناهکار است و همچنین هرگاه از قبل مسائل زناشویی، حقوق جنسی زن تأمین نگردد و مرد قادر به ارضای جنسی وی نباشد به نحوی که زن دچار عسر و حرج شود، می‌تواند از حاکم شرع

۱. ابن ادریس حلی، محمد بن منصور بن احمد، السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی حلی، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۰ هـ.ق.
۲. ابن بابویه قمی، محمد بن علی، المقنع، قم، مؤسسه امام مهدی، چاپ اول، ۱۴۱۵ هـ.ق.
۳. ابن حیون تمیمی مغربی، نعمان بن محمد، دعائیم الإسلام، قم، مؤسسه آل الیت(ع)، چاپ اول، ۱۳۸۵ هـ.ق.
۴. ابن زهره حلبی حسینی، حمزه بن علی، غنیة النزوع إلى علمي الأصول و الفروع، قم، مؤسسه امام صادق(ع)، چاپ اول، ۱۴۱۷ هـ.ق.
۵. ابن منظور مصری، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت، دارصادر، چاپ اول، ۱۴۱۴ هـ.ق.
۶. ابن حجر عسقلانی شافعی، احمد بن علی، فتح الباری فی شرح صحیح البخاری، بیروت، دارالکتب العلمیہ، چاپ اول، ۱۴۱۳ هـ.ق.
۷. آخوند خراسانی، محمد کاظم، کفایة الأصول، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۸ هـ.ق.

٨. اشتهاردی، شیخ علی پناه، مدارک العروه، تهران، دارالاوسو للطباعة و النشر، چاپ اول، ۱۴۱۷ هـ.ق.
٩. امام خمینی، سیدروح الله، رسائل، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(ره)، چاپ اول، ۱۳۸۲ هـ.ش.
١٠. انصاری، شیخ مرتضی، فرائدالاصول، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۱۲ هـ.ق.
١١. بحرانی، یوسف بن احمد بن ابراهیم، الحدائق الناصرة فی أحكام العترة الطاهرة، قم، دفتر انتشارات اسلامی، چاپ اول، ۱۴۰۵ هـ.ق.
١٢. بروجردی، آفاحسین، جامع احادیث الشیعه، تهران، انتشارات فرهنگ سبز، چاپ اول، ۱۳۸۶ هـ.ق.
١٣. بهجت، محمدتقی، جامع المسائل، قم، بی‌نا، بی‌تا.
١٤. حرعاملی، محمد بن الحسن بن علی، هدایة الأمة إلى أحكام الأئمة عليهم السلام؛ به تصحیح گروه حدیث بنیاد پژوهش‌های اسلامی آستان قدس رضوی، مشهد، ناشر آستان مقدس امام رضا(ع)، مجتمع البحوث الإسلامية، چاپ اول، ۱۴۱۴ هـ.ق.
١٥. ——، تفصیل وسائل الشیعه إلى تحصیل مسائل الشریعة، قم، مؤسسة آل الیت عليهم السلام، چاپ اول، ۱۴۰۹ هـ.ق.
١٦. خویی، سید ابوالقاسم، موسوعة الإمام الخویی، بی‌جا، بی‌نا، بی‌تا.
١٧. راسخ، محمد، حق و مصلحت، تهران، نشر طرح نو، چاپ اول، ۱۳۸۱.
١٨. راوندی، قطب الدین سعید بن عبدالله بن حسین، فقه القرآن، قم، مکتبة آیة الله مرعشی نجفی، چاپ اول، ۱۴۰۵ هـ.ق.
١٩. روحانی، سید محمد صادق، فقه الصادق، قم، دارالكتاب، ۱۴۱۴ هـ.ق.
٢٠. شریعت اصفهانی، فتح الله، قاعده لاضرر، قم، بی‌نا، بی‌تا.

۲۱. شکری، فریده و مؤمن، رقیه سادات، «نقش قاعده لاضرر در حق خودداری زن از تمکین خاص»، مجله مطالعات راهبردی زنان، تهران، ۱۳۹۰، شماره ۵۱.
۲۲. صفائی، سیدحسین و امامی، اسدالله، حقوق خانواده، تهران، نشر میزان، چاپ اول، ۱۳۸۳ هـ.
۲۳. طباطبائی یزدی، سید محمد کاظم بن عبد العظیم، العروة الوثقی، بیروت، مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، ۱۴۰۹ هـ.
۲۴. طباطبائی حائری، سید علی بن محمد بن ابی معاذ، ریاض المسائل فی تحقیق الأحكام بالدلائل، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چاپ اول، ۱۴۱۸ هـ.
۲۵. طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ اول، ۱۴۱۲ هـ.
۲۶. طریحی، فخر الدین بن محمد؛ مجتمع البحرين؛ به تصحیح حسینی اشکوری، احمد، تهران، نشر مرتضوی، چاپ اول، ۱۳۷۵.
۲۷. طوسی، ابو جعفر محمد بن الحسن بن علی، الإستبصار فيما اختلف من الأخبار؛ به تصحیح حسن موسوی خرسان، تهران، دار الكتب الإسلامية، ۱۳۹۰ هـ.
۲۸. ——، الخلاف، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۰۷ هـ.
۲۹. ——، المبسوط فی فقه الامامیه، تحقیق محمد باقر بهبودی، تهران، المکتبة المرتضویه، ۱۳۸۷ هـ.
۳۰. ——، تهذیب الأحكام، به تصحیح سید حسن موسوی خرسان، تهران، دار الكتب الإسلامية، ۱۴۰۷ هـ.
۳۱. علامه حلی، الحسن بن یوسف بن مطهر اسدی، تحریر الأحكام الشرعیة

٣١. على مذهب الإمامية، بي جا، بي نا، بي تا.
٣٢. ——، مختلف الشيعة في أحكام الشريعة، قم، دفتر انتشارات إسلامي، چاپ اول، ١٤١٣ هـ.ق.
٣٣. علم الهدى، سيد مرتضى، رسائل، تحقيق سيد مهدى رجايى، قم، دار القرآن، ١٤٠٥ هـ.ق.
٣٤. عينى، بدر الدين، عمدة القاري في شرح صحيح البخاري، بيروت، دار إحياء التراث العربي، بي تا.
٣٥. فاضل لنكراني، محمد، النكاح (تفصيل الشريعة في شرح تحرير الوسيلة)، قم، مركز فقهى ائمه اطهار عليهم السلام، ١٤٢١ هـ.ق.
٣٦. فاضل مقداد، جمال الدين مقداد بن عبد الله، كنز العرفان في فقه القرآن، قم، بي نا، بي تا.
٣٧. فاضل هندي (اصفهانى)، بهاء الدين محمد بن الحسن بن محمد، كشف اللثام، قم، مكتبة آية الله العظمى مرعشى نجفى، ١٤٠٥ هـ.ق.
٣٨. فاضل كاظمى اسدی، جواد بن سعد بن على، مسائل الأفهام إلى آيات الأحكام، بي جا، بي نا، بي تا.
٣٩. فراهيدى، خليل بن احمد، العين، قم، منشورات دارالهجره، ١٤١٠ هـ.ق.
٤٠. فيض كاشانى، ملام محسن، كتاب الوافى، اصفهان، كتابخانه امام أمير المؤمنين على عليه السلام، ١٤٠٦ هـ.ق.
٤١. قريشى، على اكبر، قاموس قرآن، تهران، دارالكتب الاسلاميه، ١٤١٢ هـ.ق.
٤٢. قمى مشهدی، محمد بن محمدرضا، تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب، به تصحیح حسین درگاهی، تهران، سازمان چاپ و انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ١٣٦٨ هـ.ش.

۴۳. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق، *الكافی*، به تصحیح غفاری، علی اکبر و آخوندی، محمد، تهران، دارالکتب الإسلامية، ۱۴۰۷ هـ. ق.
۴۴. لنگرودی، محمد جعفر، *حقوق خانواده*، تهران، نشر گنج دانش، چاپ اول، ۱۳۸۰ هـ. ش.
۴۵. مازندرانی، محمد صالح بن احمد، *شرح اصول الكافی*، به تصحیح ابوالحسن شعرانی، تهران، المکتبة الإسلامية، ۱۳۸۲.
۴۶. مجلسی، محمد تقی بن مقصود علی، *روضۃ المتقین* فی شرح من لا يحضره القیمیه، به تصحیح موسوی کرمانی، حسین و اشتهرادی، شیخ علی پناه، قم، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانپور، ۱۴۰۶ هـ. ق.
۴۷. محقق حلّی، نجم الدین جعفر بن الحسن، *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام*، قم، مؤسسه اسماعیلیان، چاپ دوم، ۱۴۰۸ هـ. ق.
۴۸. محمدی، ابوالحسن، *قواعد فقه*، تهران، یلدای، ۱۳۷۳ هـ. ش.
۴۹. مفید، ابی عبدالله محمد بن محمد بن نعمان، *الاختصاص*، به تصحیح علی اکبر غفاری و سید محمود محرومی زرندی، قم، الموتمر العالمي لالفیة الشیخ المفید، ۱۴۱۳ هـ. ق.
۵۰. مکارم شیرازی، ناصر، *القواعد الفقهیة*، قم، مدرسه امام امیر المؤمنین(ع)، ۱۴۱۱ هـ. ق.
۵۱. ملک افضلی، حسین و مهدی زاده، مرتضی و زمانی، احمد رضا و فرج زادگان، زیبا، «بررسی انواع خشونت خانوادگی نزد زنان در شهر اصفهان، سال ۱۳۸۲»، مجله علوم پزشکی دانشگاه آزاد اسلامی قم، قم، سال ۱۴، ۱۳۸۳، شماره ۲.
۵۲. ملکی میانجی، محمد باقر، *بدائع الكلام فی تفسیر آیات الاحکام*، بیروت، مؤسسة الوفاء، ۱۴۰۰ هـ. ق.

۵۳. موسوی بجنوردی، حسن بن آقا بزرگ، **القواعد الفقهیه**، قم، نشر الهادی، چاپ اول، ۱۴۱۹ هـ.ق.
۵۴. میرزا قمی، ابو القاسم بن محمد حسن، **جامع الشتات في أجوية السؤالات**، تهران، مؤسسه کیهان، ۱۴۱۳ هـ.ق.
۵۵. نجفی، محمدحسن بن محمدباقر، **جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام**، به تصحیح شیخ عباس قوچانی، بیروت، دار إحياء التراث العربي، بی تا.
۵۶. نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی، **رسائل و مسائل**، بی جا، بی نا، بی تا.
۵۷. ———، **عواائد الأيام**، بی جا، بی نا، بی تا.
۵۸. نوری طبرسی، حسین بن محمد تقی، **مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل**، به تصحیح مؤسسه آل البيت علیهم السلام، قم، مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۸ هـ.ق.
۵۹. نوی، یحیی بن شرف، **المجموع شرح المهدّب**، بیروت، دارالفکر، بی تا.

پروشکوه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرستاده جامع علوم انسانی